

جامعه حمایت از زنان و کانون دفاع از حقوق کودکان در اول مه سنندج، سنت شکستند!



مهرنوش موسوی

فعالین دفاع از حقوق زن و دفاع از حقوق کودکان در سنندج با دخالت موثر و فعالانه خود در اول مه امسال سنت شکستند، خلاف جریان بودند، پایه گذار یک روش و یک شیوه مترقی،

مردن، انسانی شدند که سنت و جوان طبقه کارگر ایران رسوهای رایج را کنار میزند! هواخواهان زیادی پیدا اجتماعا نقد میکند، تصویر و میکند. واقعیت این است که الگو جلو جامعه مردسالار صاحبان ثروت و قدرت در میگذارد. در نسل متجدد و ضد جامعه مدام ← ۷

خانم رویا طلوعی: روز کارگر وقت فوتبال بازی کردن و قوم پرستی بود!

نگار صالح نژاد از اراک
خودم گفتم در شهری که به برگزاری اول ماه مه هایش خواندن این خبر که در شهر سنندج انجمنهای فرهنگی "بانوان" بودم و ریگی در کفش ورزشی و از جمله کانون زنان کرد نداشتم، میرفتم و در اعتراض و مدافع صلح و حقوق بشر درست مبارزه مردم این شهر برای در روز جهانی کارگر مسابقه گرامیداشت روز کارگر شرکت فوتبال بانوان برگزار کرده اند، می کردم. میرفتم حداقل در این اول مرا کمی متعجب کرد. با تجمعات راجع ← ۲

گرامیداشت اول مه روز جهانی کارگر و همایش کوکان و زنان کارگر در سنندج



جشن اول مه روز جهانی کارگر در شهر سنندج با شکوه برگزار شد. مراسم اول مه در ساعت ۴ بعدازظهر در سالن اجتماعات دانش آموزی با سرود انترناسیونال شروع شد. شرکت کننده گان حاضر در سالن به احترام سرود انترناسیونال و جان باخته گان راه آزادی و برابری قیام کردند. سپس آقای آزاد زمانی دبیر کانون دفاع از حقوق کودکان در مورد اتحاد و همبستگی کارگران، متشکل شدن کارگران، کودکان کار و کردند که مورد تشویق حاضرین قطعه شعری ← ۸

اگر یک زن رئیس جمهور ایران بشود!

سمیرا عدالتخواه از تهران
فقط یک لحظه چشمتان را ببندید و تصور کنید که خبری از رهبر، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان و.... میکند! نیست و چشمتان را که باز می کنید یک زن رئیس جمهور ایران شده باشد! به این فعلا کاری نداریم که چه کسانی خوشحال میشوند و این را پیروزی و موفقیت زنان قلمداد

نمیکنند و به این هم کاری نداشته باشید که ما دوباره قبول میکنند که خودش فویش خواهیم آمد و خواهیم گفت که نماینده مجلس باشد و همسرش این موفقیت نیست، صبر کنید رئیس جمهور! باید برویم و از بینیم "خواهر رئیس جمهور" چه همسر خاتمی و رفسنجانی پیرسیم که تازه نماینده هم فردای روزی که ایشان رئیس نیستند، شاید بشود به شوهر رئیس جمهور بود، لابد رئیس جمهور رئیس جمهور خیالی ما یاد داد ها و پادشاهان ممالک مختلف که چه بکنند! تازه از سفر که خانم را دعوت میکنند. ایشان برگشت، متوجه میشود که اول باید از شوهرش اجازه بگیرد همسرش ۳ تا زن دیگر را هم به که آیا حق سفر دارد یا نه! تازه تا عقد و ۴ زن ← ۸

درسی که کارگران به رفسنجانی و بقیه سران نظام دادند!

مهرنوش موسوی

مهرنوش موسوی

شرکت و از آن برای مضحکه کردند و چنان فضاحتی را نصیب رفسنجانی و کلیه دلقکهای نظام و مضحکه انتخاباتشان کردند که صدایش همه جا پیچید! البته دارو دسته های مختلف سپاه و اطلاعات و نیروهای انتظامی و غیره هر چه در چنته داشتند انجام دادند تا مگر از بروز اعتراض جلوگیری کنند. از قصد مسیر راهپیمایی را یکپو از درب اصلی ایران خودرو به ارج تغییر داده و کاری کردند که تا مسیر رسیدن به ورزشگاه را کارگران به جای تجمع بزرگتر و تمرکز یافته تر در گروه های کوچکتر و قابل کنترل تر طی کنند. میخواستند نقشه کارگران را برای اعتراض به هم زده، آنها را سردرگم کنند. اعتراض کارگری به دنیا نشان باید بود!

از میان مراسمهای اول مه، درسها و نتایجی که برای جنبش کارگری، آزادی و برابری در ایران در برداشت، درسی که هزاران کارگر به رفسنجانی دادند، از جمله مهمترین دستاوردهای اول مه ۸۴ بود. هزاران هزار کارگر رسماً و علناً و اجتماعاً مهر باطل شد به مضحکه انتخابات و دلقک بازیهای رفسنجانی و سایر کاندیداهایشان زدند. و این مهر را درست در محلی که خود رژیم تدارکش را دیده بود زدند و این گل را درست در زمین خود حریف زدند! زنده باد کارگران حق طلب! از چند روز قبل از برگزاری اول مه، همه جا تبلیغات و شایع شده بود که رفسنجانی در این مراسم

بقیه از صفحه ۱ خانم...

[illegible]

کلارا زتکین فمینیست نبود! روز کارگر با فمینیسم مرتبط نیست!

مهرنوش موسوی

فرناز ویلاگ نویس عزیزی که نوشته‌هایش برای خیلیها در ویلاگ امشاسپندان آشناست و ما هم مبادرت به درج پاره‌ای از مطالب خوبش کرده ایم، فمینیسم و نقش کلارا زتکین دارد، که چون نکات و سئوالات مهمی دارد، موضوع نقد و بحث این هفته من قرار گرفته است. بحث رابطه جنبش دفاع از حقوق زن و جنبش کارگری، یک بحث بسیار مهم است که در این هفته ما به وجوه مختلف آن پرداخته ایم. حال یک به یک شروع کنیم:

۱. جنبش فمینیستی و فمینیسم ربطی به طبقه کارگر ندارد.

اولین سؤال این است که چرا نویسنده این سطور تلاش کرده برای "فمینیسم" پایه اجتماعی کارگری بترشد، آن را به کارگران، اول مه، کلارازتکین و غیره وصل کند؟ به نظر من اولاً به این خاطر که قاعدتاً جنبشی که داعیه عدالتخواهی برای زنان را دارد میبایست به اول مه هم کار داشته باشد. که متأسفانه علیرغم تلاش فرزانه، فمینیسم ربطی به اعتراض اجتماعی کارگر ندارد! او تلاش میکند یک رابطه‌ای ولو دلبخواه بین این جنبش با جنبش اعتراضی کارگران پیدا کند. حتی مجبور میشود سراغ "زن کارگر" و مطالبه "دستمزد برابر" برود. کاری که نمایانم چرا همیشه اپوزیسیون سنتی ایران میکند؟ یعنی اینکه مدافعین حقوق زن، دم دمای روز جهانی کارگر به فکر موقعیت "زن کارگر" و "دستمزد برابر" می افتند. گویا دفاع و همسرنوشتی جنبش برابری طلبی با جنبش کارگری منوط به پیدا کردن "جنس زن" در میان کارگران و مطالبات مربوط به آنهاست. تعدادی که اصلاً "کارگر" را مرد میدانند. در حالی که رابطه میان جنبش حق طلبی زن با جنبش کارگری یک رابطه جنسیتی نیست، یک رابطه سیاسی و اجتماعی است! یک رابطه هم سرنوشتی است. مبنای این همسرنوشتی یک نقد ریشه‌ای عمیق است. کسی که از سر جنسیت سراغ کارگر می‌رود، هدفش ممانعت از دست بردن به این نقد است. کسی که از سر جنسیت سراغ زن می‌رود، هدفش تقلیل مبارزه علیه ستم کشی زن، به یک مبارزه محدود است. هدفش ممانعت از دست بردن به همان نقد عمیق است. تفاوت میان ما و این نگرش از زمین تا آسمان است. ما از انسان آغاز میکنیم. خواه در نقد موقعیت کارگر، خواه در نقد ستمکشی زن. ما معتقدیم هر کسی در جامعه علیه ستم بر زن فعالیت کند، زن باشد یا مرد، کارگر باشد یا کارمند، دارد علیه انقیاد کارگر و برای اختیار انسان مبارزه میکند! و به عکس، کارگری که علیه انقیاد مبارزه میکند، نمیتواند نسبت به ستم به زن بی تفاوت باشد. حال تصورش را بکنید در روز جهانی کارگر که قرار است در یک نمایش اعتراضی همبسته و بین المللی، جهان ادعای طبقه کارگر را علیه کل انقبادی که نظم موجود لقب گرفته است بشنود، اعتراض و مبارزه و آرمان انسانی یک جنبش رادیکال اما ندارد. باشد، آخرین ایدئولوگها و گول زدن خود

بقیه از صفحه ۳ کلارا...

بحران بیکاری، تبعیض و ۳. جنبش فمینیستی اساسا به رفتارندوم و شکست طلبی خودشان لابد قیام میکنند و بساط است. این جنبش دیگر حتی دلیلی دور نگهداشتن نقد رادیکال بالای منبر بروند. همگیان را با هم جمع میکنند. آنتی تز کلیسا، مردسالاری از دسترس مردم نسبت به بالاخره اینکه، فمینیسم در ایران و این برای جنبش فمینیستی روی دولتی در غرب و نبود آزادی طلبی با فمینیسم ربطی ندارد. جنبش به زن، یک جنبش تماما جنسیتی است. در کلیه الوارهای این دو جنبش متفاوتند. مثل این کشورها هم نیست، این آزادیخواهی و دموکراسی طلبی. جنبشی است که تا همین اواخر به منظور من این نیست که محکوم کردن سنگسار به این فمینیسم و یا دموکراسی ولو با خاطر رضایت نمیداد که مسئله آوردن حق رای، هیچ نفعی به حال بشريت نداشته اند، بهر حال زن و مرد را مسئله فرهنگ و پیدایش سرمایه داری هم یک مذهب "مردم آن کشور" درجه تکامل جامعه بشری بود، اما آیا نباید به کسی که الان فریاد میزند پس زنده باد سرمایه داری!! با تعجب نگاه کرد؟ آن هم در مقابل با حجاب زنان در محل کار و حجاب اجباری در مدارس وقتی یک پرچم و یک جنبش در اروپا، فمینیسم کنار جنبش تماما رادیکال در نقد ستم کشی اسلامی ایستاده بود. فمینیسم زن عینیت دارد؟

تفاوتهای اصلی میان جنبش فمینیستی و جنبش برابری طلبی عبارتند از:

۱. جنبش فمینیستی، جنبش انتخابات جایی رای جمع میکنند. فمینیسم قالب است. همچنان که دموکراسی قالب است ولی هیچگاه نباید آزادی را با دموکراسی اشتباه گرفت. آزادی مترادف دموکراسی نیست. دموکراسی یک جنبش اجتماعی، یک فرم حکومتی، یک آلترناتیو سیاسی است. یک آرم است، اسم رمز است. دموکراسی به یک وضعیت اقتصادی و سیاسی میگویند که تقدس بازار و مالکیت خصوصی سرمایه محور آن است. ولو اینکه مردم در عمل سیاسی خود به اشتباه و از روی عادت روی خواستهای آزادیخواهانه خود نام "دموکراسی" میگذارند، ولی بویژه در سالهای اخیر حتی در تصویر عمومی مردم هم این روند تغییر یافته و فرو ریخته است. بویژه در کشورهایی که "دموکراسی" حاکم است، معنی آن ریاضت کشی اقتصادی، نظم خونین جهانی،

۲. جنبش فمینیستی، جنبش "طبقه متوسط جامعه" بود که در دهه های اخیر تماما جذب بالا و اتمام پروسه کاریر سیاسی خود یعنی ارتزاق در حاشیه دولتها شده است. تصویر فمینیستی رایج، جلب و جذب زنان به شبکه صاحبان قدرت و سرمایه است.

۳. جنبش فمینیستی اساسا به رفتارندوم و شکست طلبی خودشان لابد قیام میکنند و بساط است. این جنبش دیگر حتی دلیلی دور نگهداشتن نقد رادیکال بالای منبر بروند. همگیان را با هم جمع میکنند. آنتی تز کلیسا، مردسالاری از دسترس مردم نسبت به بالاخره اینکه، فمینیسم در ایران و این برای جنبش فمینیستی روی دولتی در غرب و نبود آزادی طلبی با فمینیسم ربطی ندارد. جنبش به زن، یک جنبش تماما جنسیتی است. در کلیه الوارهای این دو جنبش متفاوتند. مثل این کشورها هم نیست، این آزادیخواهی و دموکراسی طلبی. جنبشی است که تا همین اواخر به منظور من این نیست که محکوم کردن سنگسار به این فمینیسم و یا دموکراسی ولو با خاطر رضایت نمیداد که مسئله آوردن حق رای، هیچ نفعی به حال بشريت نداشته اند، بهر حال زن و مرد را مسئله فرهنگ و پیدایش سرمایه داری هم یک مذهب "مردم آن کشور" درجه تکامل جامعه بشری بود، اما آیا نباید به کسی که الان فریاد میزند پس زنده باد سرمایه داری!! با تعجب نگاه کرد؟ آن هم در مقابل با حجاب زنان در محل کار و حجاب اجباری در مدارس وقتی یک پرچم و یک جنبش در اروپا، فمینیسم کنار جنبش تماما رادیکال در نقد ستم کشی اسلامی ایستاده بود. فمینیسم زن عینیت دارد؟

تفاوتهای اصلی میان جنبش فمینیستی و جنبش برابری طلبی عبارتند از:

۱. جنبش فمینیستی، جنبش انتخابات جایی رای جمع میکنند. فمینیسم قالب است. همچنان که دموکراسی قالب است ولی هیچگاه نباید آزادی را با دموکراسی اشتباه گرفت. آزادی مترادف دموکراسی نیست. دموکراسی یک جنبش اجتماعی، یک فرم حکومتی، یک آلترناتیو سیاسی است. یک آرم است، اسم رمز است. دموکراسی به یک وضعیت اقتصادی و سیاسی میگویند که تقدس بازار و مالکیت خصوصی سرمایه محور آن است. ولو اینکه مردم در عمل سیاسی خود به اشتباه و از روی عادت روی خواستهای آزادیخواهانه خود نام "دموکراسی" میگذارند، ولی بویژه در سالهای اخیر حتی در تصویر عمومی مردم هم این روند تغییر یافته و فرو ریخته است. بویژه در کشورهایی که "دموکراسی" حاکم است، معنی آن ریاضت کشی اقتصادی، نظم خونین جهانی،

۲. جنبش فمینیستی، جنبش "طبقه متوسط جامعه" بود که در دهه های اخیر تماما جذب بالا و اتمام پروسه کاریر سیاسی خود یعنی ارتزاق در حاشیه دولتها شده است. تصویر فمینیستی رایج، جلب و جذب زنان به شبکه صاحبان قدرت و سرمایه است.

۳. جنبش فمینیستی اساسا به رفتارندوم و شکست طلبی خودشان لابد قیام میکنند و بساط است. این جنبش دیگر حتی دلیلی دور نگهداشتن نقد رادیکال بالای منبر بروند. همگیان را با هم جمع میکنند. آنتی تز کلیسا، مردسالاری از دسترس مردم نسبت به بالاخره اینکه، فمینیسم در ایران و این برای جنبش فمینیستی روی دولتی در غرب و نبود آزادی طلبی با فمینیسم ربطی ندارد. جنبش به زن، یک جنبش تماما جنسیتی است. در کلیه الوارهای این دو جنبش متفاوتند. مثل این کشورها هم نیست، این آزادیخواهی و دموکراسی طلبی. جنبشی است که تا همین اواخر به منظور من این نیست که محکوم کردن سنگسار به این فمینیسم و یا دموکراسی ولو با خاطر رضایت نمیداد که مسئله آوردن حق رای، هیچ نفعی به حال بشريت نداشته اند، بهر حال زن و مرد را مسئله فرهنگ و پیدایش سرمایه داری هم یک مذهب "مردم آن کشور" درجه تکامل جامعه بشری بود، اما آیا نباید به کسی که الان فریاد میزند پس زنده باد سرمایه داری!! با تعجب نگاه کرد؟ آن هم در مقابل با حجاب زنان در محل کار و حجاب اجباری در مدارس وقتی یک پرچم و یک جنبش در اروپا، فمینیسم کنار جنبش تماما رادیکال در نقد ستم کشی اسلامی ایستاده بود. فمینیسم زن عینیت دارد؟



روز جهانی کارگر و جنبش زنان!

برگرفته از سایت امشاسپندان

اول می روز جهانی کارگر است. پنج روز دیگر، روزی است که جهان به پاسداشت کارگران اختصاص داده است. شاید عده ای ندانند که فمینیسم اساسن از کجا شکل گرفت و اولین خواسته این جنبش و در واقع جرقه آغازین چه بود. جرقه آغازین، دستمزد برابر بود.

انقلاب صنعتی و ورود ماشین آلات، آغازی شد برای جنبش زنان. زنان وارد بازار کار شدند. زنانی که از حقوق خود اطلاعی نداشتند و با دستمزد های بسیار ناچیز ساعات طولانی کار می کردند. کارفرمایان نهایت استفاده را از این نیروی کار فراوان و ارزان می بردند. تغییر، کوچک نبود و تضاد عمیقی میان نقش سنتی زن و آنچه که مشاهده می شد ایجاد شد.

گسترش ماشین آلات، سبب هجوم نیروی کار از روستاها به شهر ها نیز شد و بالطبع آگاهی بیشتر را نیز موجب شد.

زنان کارگر به تدریج با حقوق خویش آشنا می شدند و متوجه شدند که چرا کارفرمایان این

چنین پر شور از حضور زنان در بازار کار استقبال می کند. زنان، زنان، شروع به اعتراض و کردند و بالاخره کلارا زتکین کارگر، ان حقیقت کثیف بازار کار را دریافتند؛ روابط اجتماعی کار حول تبعیض جنسیتی شکل گرفته اند و این حقیقت کثیف این بازار است. دریافتند که کارگران باید در شرایط برابر در بازار کار، نیروی خود را عرضه کنند و کارگران با شرایط یکسان کاری، باید دستمزدی یکسان دریافت کنند. تشکیل اتحادیه های کارگری آغاز شده بود، اتحادیه هایی که زنان نقش بسیار کم رنگی در ان داشتند و چه بسا که مردان کارگر اصلن حضور زنان را لازم نمی دیدند و خوش نداشتند. مردان کارگر بسیاری که معتقد بودند کار امری مردانه است و ورود زنان به این عرصه نیز موقعیت آنان را به خطر می انداخت.

آلیس رسی، جایی استدلال می کند که ((نابرابری مبتنی بر جنس تنها موردی است که در ان نمایندگان گروه های نا برابر در اجتماع صمیمانه تری با هم هستند)) و این اتفاقی است که برای زنان رخ داد. این سبب زمینی گذران زندگی می کردند و بالاخره کلارا زتکین کارگر، ان حقیقت کثیف بازار کار را دریافتند؛ روابط اجتماعی کار حول تبعیض جنسیتی شکل گرفته اند و این حقیقت کثیف این بازار است. دریافتند که کارگران باید در شرایط برابر در بازار کار، نیروی خود را عرضه کنند و کارگران با شرایط یکسان کاری، باید دستمزدی یکسان دریافت کنند. تشکیل اتحادیه های کارگری آغاز شده بود، اتحادیه هایی که زنان نقش بسیار کم رنگی در ان داشتند و چه بسا که مردان کارگر اصلن حضور زنان را لازم نمی دیدند و خوش نداشتند. مردان کارگر بسیاری که معتقد بودند کار امری مردانه است و ورود زنان به این عرصه نیز موقعیت آنان را به خطر می انداخت.

آلیس رسی، جایی استدلال می کند که ((نابرابری مبتنی بر جنس تنها موردی است که در ان نمایندگان گروه های نا برابر در اجتماع صمیمانه تری با هم هستند)) و این اتفاقی است که برای زنان رخ داد. این سبب زمینی گذران زندگی می کردند و بالاخره کلارا زتکین کارگر، ان حقیقت کثیف بازار کار را دریافتند؛ روابط اجتماعی کار حول تبعیض جنسیتی شکل گرفته اند و این حقیقت کثیف این بازار است. دریافتند که کارگران باید در شرایط برابر در بازار کار، نیروی خود را عرضه کنند و کارگران با شرایط یکسان کاری، باید دستمزدی یکسان دریافت کنند. تشکیل اتحادیه های کارگری آغاز شده بود، اتحادیه هایی که زنان نقش بسیار کم رنگی در ان داشتند و چه بسا که مردان کارگر اصلن حضور زنان را لازم نمی دیدند و خوش نداشتند. مردان کارگر بسیاری که معتقد بودند کار امری مردانه است و ورود زنان به این عرصه نیز موقعیت آنان را به خطر می انداخت.

هم منفک کرد وقتی اولین خواسته فمینیسم و نقطه سر آغاز ان دستمزد برابر و بهبود اوضاع کار بوده است؟! مگر می شود فمینیسم را تنها مختص طبقه متوسط رو به بالا دانست و فتنی اولین اعتراض ها و تجمعات از ان زنان کارگر بود؟

اول می نزدیک است. روزی که جهان حقوق کارگران را ارج می نهد. نیمی از کارگران زنان هستند، همان زنان کارگری که دلیرانه مقاومت کرده و بهبود شرایط کار را خواستار شدند. گرمی می داریم اول می، روز جهانی کار گر را.

* کلارا زتکین فمینیست نامی آلمانی کسی است که پیشنهاد داد ۸ مارس، به یاد اولین تظاهرات وسیع زنان کارگر، روز جهانی زن نامیده شود. وی را مادر روز جهانی زن می نامند.

نه روز کارگر نتیجه تلاش هیچ جنبش دیگری، به جز جنبش کمونیستی و کارگری نیست. اتفاقی هم نیست که چنین است. فقط يك نقد ریشه ایی از جهان معاصر میتواند این چنین در قلوب میلیونها انسان جای بگیرد، اثر از خود به جای بگذارد. نمیشود به این راحتی این تاریخ را چون الان در ایران مقبول شده است، به حساب جنبشهای دیگر نوشت!

راه انداخت مطلقا نه به لحاظ پایه اجتماعی اش، حرکت سیاسی اش، آرمانهای انسانی اش "فمینیستی" نبودند. این را نه فقط کلارا زتکین در نطق تاریخی خود به آلمانی ابراز کرده است، بلکه تحلیلا هم نمیشود به این راحتی این ادعا را کرد. بر عکس جنبشی که کلارا زتکین پایه گذارش کرد باعث شد که نقد نیم بند و جنسیتی فمینیستی از صحنه ایزوله و به کناری نهاده شود و نقد رادیکال، ریشه ایی و تحول بخش علیه ستم کشی زن دست بالا پیدا کند. جنبش برایی طلبی کلارازتکین يك جنبش اعتراضی است. در حالی که فمینیسم لای دست و پای دولتها می پلکد. علت ممزوج بودن جنبش حق طلبی زن با مقدرات و مسائل و مبارزه جنبش کارگری در زمان زتکین، فقط مسائل مشخص خود زنان نبود. نقدی که کلارازتکین علیه ستم کشی زن داشت بسیار فراتر از مطالبه "برابری دستمزد" بود. کلارا زتکین برای برپایی جهانی مبارزه کرد که اساس آن بر پایه "مزد" نباشد. اصلا دستمزدی در کار نباشد. بشر برای امرار معاش مجبور به مزد گرفتن نباشد. کار فعالیت داوطلبانه افراد جهت رشد خلاقیت هایشان باشد! جهانی که به ستم جنسی محتاج نیست! در آخر باید بگویم نه ۸ مارس و

بقیه از صفحه ۴ کلارا...

مختصات، این جنبشی نیست که به کارگران مربوط باشد. کارگران نفعی در حفظ جهان موجود ندارند. فمینیسم خودش هم این ادعا را ندارد. شما در غرب يك فمینیست سرشناس پیدا نمیکنید که قبول کند اول مه ربطی به فمینیستها دارد، یا بدتر از آن کلارا زتکین فمینیست بوده!

۲. کلارا زتکین فمینیست نبود!

کلارا زتکین و جنبشی که وی به

نامه های شما عزیزان!

چه کمکی از تهران بکنیم؟ مهرداد از تهران:

جمعتون پیام. سپاس

وب سایتتون خیلی ارزشمند بود و فایل های تصویری تظاهرات ۵۷ و تسلیم هم عالی بود. از اینها بیشتر بذارین رو شبکه. اگه کمکی از داخل ایران، تهران میشه بهتون بکنم خوشحال میشم.

مهرداد عزیز باید از اسعد کوشا و مینو همتی و همچنین پیام آذر تشکر کرد که این فیلمها را ترجمه و همچنین آماده کردند و با این کیفیت خوب پخش کردند. امیدواریم که خیلیها بتوانند از آنها استفاده بکنند. راستش یکی از کارهایی که میشه در تهران کرد تکثیر و پخش این فیلمهاست. کار دیگه ایی که میشه کرد تکثیر و پخش نشریه و یا ارسال اینترنتی اون هست. میشه برای نشریه نوشت. میشه رهنمودهای اعتراضی اش را عملی کرد. میشه اومد و با این سازمان فعالیت کرد. فعالیت هم "زیر زمینی" نیست. یک فعالیت آزاد است. کافی است جمع شوید، جمع کنید و تلاش کنید که در محدوده زندگی شما مردسالاری به مصاف طلبیده شود. کمک کنید که مبارزه علیه ستم و خشونت به زن قوی و قدرتمند بشود. ما به دوستداران رهایی زن رهنمود میدهیم که کانونهای رهایی زن را با دوستان، همکاران و آشنایان شان ایجاد کنند.

چطور به جمعتون پیام؟ فرزانه:

با سلام سایت را دیدم چطور میتونم بهتون کمک کنم و به

نشریه را به من هم ارسال کنید؟
آزاد:
سلام!

با عرض خسته نباشید خدمت شما و همفکران گرامیتان. من دانشجوی یکی از دانشگاههای ایران هستم. در صورت امکان تقاضا دارم که نشریه رهایی زن را برای من نیز ارسال نمایید. با تشکر بدرود

از خودتون بیشتر بگید! سعید:

سلام دوست عزیز
با کمال میل با شما همکاری میکنم از خودتان بیشتر برایم امکاناتی داری، چه کاری دوست داری، آیا میتونی دوستانو جمع کنی، آیا میتونی انجمنهای علنی و قانونی درست کنی، آیا مشکلات خانوادگی نداری، نکنه مثلاً زیر فشار پدر و یا برادر و همسرت باشی، و.... میتونی به این مبارزه کمک کنی. بنابر این ما به تو و به همه کسانی که میخوان سهمی در این مبارزه داشته باشن، میگی یک بخش مهم جواب سوال این که "چه کمکی میتونم بکنم" خود شما هستید. ما خودمونو به شما شناسوندیم، شما خودتون بگید در چه موقعیتی هستید و چه کمکی دوست دارید بکنید؟ دوست دارید یک شبکه پخش نشریه رهایی زن درست کنید؟

همینطوری به دست دوست و آشنا و همکار و... پرسونید؟ دوست دارید خبرنگار نشریه باشید؟ دوست دارید یک کانون رهایی زن درست کنید؟ دوست دارید عضو هیئت تحریریه رهایی زن بشید؟ دوست دارید کمک مالی جمع کنید؟ همه این کارها را میتونید انجام بدید!

نشریه رهایی زن برای جدایی دولت از مذهب، جدایی آموزش و پرورش از مذهب و برای برپایی سکولاریسم مبارزه میکنند. بیانییه اهداف سازمان رهایی زن تمام اهداف فوری این سازمان را بیان کرده است. هدف ما خاتمه دادن به تبعیض جنسی است. سازمان رهایی زن حقوق زن را جهانشمول میداند.

عضویت در سازمان رهایی زن هیچ شرط و شروطی ندارد. سازمان رهایی زن مستقل است. فعالین احزاب و سازمانهای

سیاسی مختلف به راحتی با سلام! میتوانند در این سازمان عضو شده و علیرغم دوری و مسئولین صندوق همیاری مالی به زنان خشونت دیده خیلی جالب رهایی زن یک تشکیلات فرا جنسیتی است.

کانون مرکزی رهایی زن در اولین نشست آن به وسیله رای انتخاب شده است. دبیر این سازمان را این نشست انتخاب کرده است. فعالین سازمان به راحتی میتوانند تقاضای عضویت در این کانون را کتبا مطرح کنند. *حتما شعله جان. در اولین در باره عضویت آنها رای گیری میشود. رهایی زن سالانه یک مجمع کنفرانس علنی برگزار میکند. سازمان رهایی زن به اعضا و فعالین خود پیشنهاد میکند که در محل زندگی و کار خود مبادرت به تشکیل کانونهای رهایی زن بکنند. هر کانون حداقل از ۴ نفر تشکیل میشود. سازمان رهایی زن شامل تشکیلات کل کشور در ایران، خارج کشور، ارتباطات بین المللی، مرکز پخش نشریه و ارتباطات، مالی و دبیرخانه است.

نشریه رهایی زن نشریه هفتگی این سازمان است. سایت این سازمان و ۲ وبلاگ وسیله انتشار اخبار، اطلاعات و نشریات این سازمان است. تلویزیون و رادیوی موج کوتاه رهایی زن به زودی راه اندازی میشود.

رهایی زن در خارج کشور، وظایف سنگینی را به عهده دارد. مبارزه برای حقوق زنان پناهجو یکی از وظایف این سازمان است.

با مرجان خواننده مصاحبه کنید!
اعظم عظیمی از خراسان
آخرین ترانه ایی که مرجان خوانده اینجا پخش شده، من صدای مرجانو دوست دارم. میگو که چند سال زندان بوده، با این خواننده های مبارز مصاحبه کنید، من این مصاحبه ها را دوست دارم.

ایده تشکیل صندوق
همیاری عالی بود!
شعله اسکندری:

بقیه از صفحه ۶ نامه های...

اعظم جان باید امکان این کار را بررسی کنیم. لازم است که ببینیم مرجان چه تجربیاتی دارد که مصاحبه با وی آموزنده و جالب باشد. دنبال این مصاحبه ها هستیم.

در ستایش سکوت مینا احدی!

محمد از سوئد

دفاع رهایی زن از ۸ مارس

سندج بسیار قابل تحسین بود. مینا احدی ترجیح داد مثل همیشه وقتی خراب میکند سکوت اختیار کند. این سکوتی است که سالهاست در جنبش کمونیسم کارگری هزینه زیادی برداشته است. موضعی در مقابل مردم گرفتند که قابل دفاع نبود، واقعا خجالت آور است که این چنین کسانی را که در شرایط اختناق جمهوری اسلامی مبارزه میکنند مورد حمله قرار بدهی، چه پاسخی به جز سکوت دارند؟ این به قول شما "سکوت" فرصتی برای تعمق این دوستان پیدا شود. مستلزم یک تجدید نظر و تعمق امیدواریم که پیشرویهای عمیق جنبش برای برابری طلبانه و جنبش مبارزاتی است. درسهای زیادی میشود از همین پلیمیک ۸ مارس ۸۴ گرفت. سکوت سیاستهای خود در قبال سرنوشت این مبارزه تجدید نظر کنند. اگر چه خود این عکسی که از سیاست و برخورد ایشان و سیاسی ميتوانست اندوخته های خوبی برای سازمانگری اعتراض مردم باشد. حال امیدواریم که در

بقیه از صفحه ۱ جامعه...

مشغول این هستند که به بهانه های مختلف، صفوف جامعه بشری را از هم جدا کنند. آخر سرکوب و خفه کردن يك صف انسانی جدا جدا و پراکنده راحتتر است! صف پراکنده را حتی بدون سرکوب هم میشود دچار دپیرشن کرد، تحمیق کرد، بی ایمان و بی امید کرد، چنانکه تصور کند سهمش از زندگی همین است! قدرتی ندارد، پس باید بسوزد و بسازد. تفاوت جنسی، تفاوت قومی، تفاوت لهجه، تفاوت نژاد، تفاوت دین، و.... ابزارهای متفرق کردن و به انزوا کشیدن جامعه انسانیت است. ابزار این است که مردم را، لایه های مختلف جامعه را به جان هم بیندازی و حکومت کنی! هر کسی دهانش بوی تفرقه جنسی میدهد، بدانید که آمده تا تبعیض جنسی را نهادینه کند! هر کسی دهانش بوی تفرقه قومی میدهد، بدانید که آمده مردم را به خاطر منفعت خودش به اسم "خاک" به جان یکدیگر بیندازد تا حکومت کند و بگذارد که حکومت بکنند! تفرقه مکمل سلاح سرکوب است. در حالی که در پایه و اساس، انسان بنا به طبیعت خود موجودی اجتماعی

است. جامعه بشری او را بنا به خصلت زندگیش کلکتیو کرده است. به اول ماه مه نگاه کنید! اول ماه مه روز کارگر است ولی در فرهنگ جامعه تفرقه تولیدکن مردسالار، که میخواهد خشونت به زن را نهادینه کند، "کارگر" یعنی مرد! همانطور که "جوان" یعنی مرد! "مهندس" یعنی مرد و "خدا" یعنی مرد! در این فرهنگ "کارگر" آدم و رئیس روز اعتراض جامعه "علیه زن ستیزی" است! متأسفانه در جامعه ما نیز این تصور در باره روز کارگر رایج است. اما این تصور رایج را از جمله امسال اول مه ایهای سندج شکستند! آزاد زمانی و دیبا علیخانی از جمله سخنرانان اول مه سندج بودند! هر دو از شخصیتهای شناخته شده و معتبر جنبش برابری طلبی در سراسر ایران و بویژه در کردستان هستند. هر دو در راس دو تشکل سراسری و شناخته شده، جامعه حمایت از حقوق زنان و کانون دفاع از حقوق کودکان هستند. ما سخنرانی و متن گزارش این مراسمها را که از سایتهای تشکلات فوق برگرفته ایم به شما عرضه میکنیم تا مشروحا در جریان قرار بگیرید. استعداد بشری "کار" نیست، قابل تا مادامی

آدرسهای تماس با ما

دبیر سازمان

مهرنوش موسوی

Mehr_musavi@yahoo.de
Tel: 00491706739503

مسئول روابط بین المللی

ناهید ریاضی

nahid@mail.dansbbs.dk
Tel: 004540453992

مسئول تشکیلات کل کشور

لادن داور

Ladann_d@yahoo.com
Tel: 00491782084153

مسئول امور مالی

مریم افراسیابپور

mafrasiabpour@yahoo.se

مسئول تلویزیون

رهایی زن

مینو همتی

MinooHemati@yahoo.com
Tel/Fax 001(916) 3148971

صندوق پستی:

P.M
P.F: 102431
50464 Köln
Germany

بقیه از صفحه ۱۱ اگر... شیراک و ولادیمیر پوتین چه دیگر را صیغه گرفته است. جوری سرش را بلند کند که همسرش چند زن دیگر هم دارد؟! محجبه باشد؟ اگر شوهرش تنبیهش کرد، چه جوری رئیس جمهوری که زیر چشمش کبود هست را به شرکت در مجمع سازمان ملل و یا اوپک بفرستیم؟

بقیه از صفحه ۱ گرامیداشت... حقوق کودک، حقوق بشر صحبت از احمد شاملو سرودند و خانم و آمار و ارقامی از بیانیه های ثریا محمدی در مورد زنان کارگر یونسف در مورد کار کودکان ارائه دادند در میان برنامه ها قاسم ویسی شعرو دکلمه های زیبایی در مورد کارگران و دنیایی که می خواهند می سرود. رؤف کریمی دبیر سندیکای کارگران خباز یکی دیگر از سخنرانان بود که در مورد مشکلات کارگران کردستان، حقوق و دستمزد کم کارگران صحبت کردند که با تشویق و کف زدن های ممتد حاضرین به عنوان پشتیبانی از قطع نامه در همین روز حدود ۱۵۰ نفر از کارگران در جلو اداره کار تجمع و بصورت آرام به سمت سالن فجر محل برگزاری مراسم خانه کارگر گرفتند. در پایان قطعنامه ی ۱۰ ماده ای توسط آقای قاسم ویسی ایراد گردید که با تایید و کف زدن پی درپی حاضرین به تشویق و کف زدن های ممتد حاضرین به عنوان پشتیبانی از قطع نامه

بقیه از صفحه ۷ جامعه... آزادخواهی دست بالا را داشت در سراسر جهان این مقاطع را شاهد بوده ایم، وقتی که کارگر در روسیه قدرت را گرفت، جنبشهای اجتماعی زنان در کل دنیا و از جمله در اروپای غربی و شرقی، مثل قارچ از زمین سبز شدند. همین جنبشها در حمایت از حکومت کارگری در روسیه آن زمان، کلی افتخارات و مبارزات به یاد ماندنی دارند. خود جرقه انقلاب را در روسیه ۸ مارس میزند. این تجمع ۸ مارس است که در تاریخ برپایی انقلاب بلشویکی نقش تعیین کننده دارد. واقعیت این است که دوره جدایی این جنبشها از هم نیز، دوره تفوق تفرقه و دست بالا پیدا کردن ضد آزادخواهی است. شهر "مردانه" نیست! این تصویر نمونه و الگوی حرکت اول مه جزو آلبوم تاریخ معاصر جنبش سنندج، آغازی بر یک پایان دهها آزادی و برابری در ایران است.

O. E. W.
The Organization for Emancipation of Women
رهایی زن

برای مقابله با ستم و خشونت علیه زن چه باید کرد؟



سخنرانی مهرنوش موسوی دبیر سازمان رهایی زن

زمان: جمعه ۶ ماه می ۲۰۰۵ ساعت ۲۰

مکان: خانه آزادی

Stigbegriftret 18 Göteborg

تلفن تماس: گاتوبورگ مصطفی پور ۰۰۴۶۷۶۸۵۰۰۰۰

به سازمان رهایی زن پیوندید